تحلیل نشانه شناختی آیین قبله دعا(طلب بارش باران) در قشم

بنیامین انصاری نسب[1]

چکیده

آب منشاء زندگی است ودر طول تاریخ آب به عنوان ضروری ترین ماده برای پیدایش و ادامه حیات از اهمیت و حتی تقدس برخوردار بوده است،در دین اسلام آب جزو مطهرات می باشد و مسلمانان آب را به عنوان وسیله ای برای طهارت و ارتباط با مبدا هستی می دانند.باتوجه به اهمیت آب در سرزمین خشک جنوب،طبیعی است که در تمام وجوه زندگی انسان حتی عقاید،باورها،آداب و رسوم نقش محسوسی داشته باشد.یکی از این مناسک آیین قبله دعا یا دعای باران است.این مقاله به تحلیل نشانه شناسی عناصر و کارکردهای اجتماعی تشکیل دهنده این آیین می پردازد.همچنین نشان می دهد که یک الگوی ساختاری آیینی چگونه به تسلی،امنیت عاطفی،نظم اجتماعی و اجتماعی شدن فرد کمک می کند.

واژگان کلیدی:آیین‌باران،قبله‌دعا،نشانه‌شناسی،امنیت‌عاطفی،نظم‌اجتماعی

مقدمه

نشانه شناسی به مطالعه‌ی نشانه ها و چگونگی کارکرد آنها می پردازد .در طول تاریخ مطالعات نشانه شناختی با نتایج جالب توجه در حوزه‌ی فیلم،نمایش،پزشکی،معماری،جانورشناسی و بسیاری حوزه های دیگر مربوط به ارتباطات و انتقال اطلاعات به کار برده شده است.در واقع،برخی نشانه شناسان ادعا می کنندکه می توان همه چیز را تحلیل معناشناسانه کرد.

تحلیل نشانه شناختی نوین با کار زبان شناس سویسی فردینان دو سوسور[2] که از او به عنوان پدر زبان شناسی نوین یاد می کنند وفیلسوف آمریکایی چارلزساندرز پیرس[3] که به پدر سنت نشانه شناسی آمریکا معروف است،آغاز می شود.سوسور به مطالعه زندگی و حیات نشانه ها در بطن زندگی اجتماعی می پردازدودرپروژه‌ی خودکه تحت عنوان semiology مطرح شده است،برسرشت اختیاری نشانه تاکیدمی کند.نشانه که موضوعی فیزیکی و معنادار است،از ترکیب دال و مدلول شکل می گیرد.بین این دو رابطه ای طبیعی و یا ضروری برقرار نیست،بلکه رابطه میان آنها از طریق قرارداد،قاعده و یا توافقی برقرار می شودکه مورد پذیرش جامعه است.از منظر سوسور،کلید فهم نشانه ها توجه به رابطه ساختاری آنها با نشانه های دیگر بود.به‌طورکلی سوسور

[1] دانشجوی‌کارشناسی‌ارشدجامعه شناسی،دانشگاه آزادواحدعلوم تحقیقات بندرعباس
پست الکترونیک: ben.ansari.n@gmail.com

[2] Ferdinand de saussure

[3] Charles saunders peirce

[Downloaded from mail.rdch.ir on 2026-09-28]

توجه خود را بیشتر به خود نشانه معطوف کرده است وتوجه چندانی به دلالت آن بـه واقعیتهـای بیرونـی نشـان نمی دهد.مدلی که سوسوربرای نظام نشانه ها ارائه می دهد به شکل زیر است:

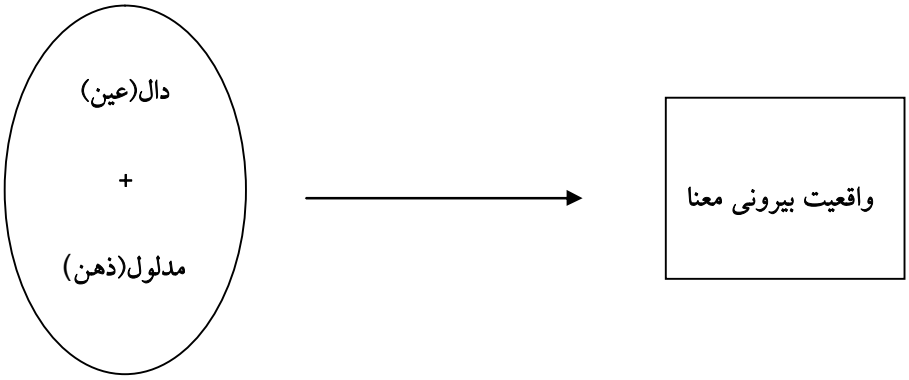

پیرس پروژه مطالعاتی خود را semioticمی خواند و درآن بر دلالت تاکید ویژه ای می نهد و درواقع نشـانه شناسـی را نظریـه‌ی عمومی شیوه های دلالت تعریف می کند.(اکو،7:1387)

از نظرپیرس نشانه ها را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

نشانه های طبیعی:نشـانه ای اسـت کـه میـان صـورت و مفهـوم آن رابطـه‌ی همجـواری یـا تمـاس اسـت.مثـل رابطـه میـان دود وآتش.(محسنیان راد،194:1387)

نشانه های تصویری :نشانه ای است که میان صورت و مفهوم آن شباهتی عینی و تقلیدی است.مثل نقش مار که برخود ماردلالـت می کند و به سبب شباهت ظاهری می توان از اولی به دومی راه برد.

نشانه وضعی یا قراردادی یا نماد:نشانه ای است که میان صورت ومفهوم آن نه شباهت عینی است ونه رابطه همجواری،بلکه رابطه ای است قراردادی نه ذاتی و خود به خودی.مثل درجات مختلف نظامی در کشـورهای مختلـف و باشـکلهای گوناگون،یـا چـراغ راهنمایی و رانندگی.(همان،202)

[Downloaded from mail.rdch.ir on 2026-09-28]

فرق بین نشانه ونماد از نظر سوسور دراین است که نماد دالی است که هیچ گاه کاملا"اختیاری نیست زیرا هیچ گـاه بـدون معنـی نمی ماند وهمیشه جزیی از یک پیوند طبیعی بین دال و مدلول وجود خواهد داشت ونماد عدالت(ترازو)را نمی توان با هـیچ نمـاد دیگری جایگزین کرد.(آسابرگر،23:1387)

دریک نگاه وسیع به ارتباطات انسانی معاصر،نمادها،علایم ونشانه‌ها، قلمرو مخصوصـی را دربرمـی گیرنـد.آنهـا دارای کاربردی اساسی در جهت بیان و تفسیر کنشهای متقابل و روابط میان افراد در گروههای اولیـه و ثانویـه و در موجودیتهای ملی هستند.علایم بصری،اطلاعات واقعی را عرضه می کنند وگسترش و کاربرد آنها نبایـد بـا تولیـد نشـانه هـای قراردادی ونمادها اشتباه گرفته شود.(محسنیان راد،215:1387)

گام اساسی برای تحلیل نشانه شناسی تلقی زبان شناسی،همچون الگو و تعمیم مفاهیم ایـن علـم بـه پدیـده‌هـای دیگرغیراززبـان است.درواقع ما با آیین ها همچون زبان برخورد می کنیم که درآن روابط میان عنصر آن ازخود عناصرمهمتر است و به قول جاناتان کالر:«این نظرکه زبان شناسی به کارمطالعه سایرپدیده های فرهنگی می آید بر دوبرداشت استوار است:نخست اینکـه پدیـده هـای اجتماعی و فرهنگی صرفا"اشیاءیا رویدادهای مادی نیستند بلکه اشیاءیارویدادهایی معنادارهستند ودرنتیجه می توان آنها را نشانه یا علامـت بـه حسـاب آورد و دوم ایـن کـه ایـن پدیـده‌هـا قـائم بـه ذات نیسـتند،بلکه در شـبکه ای از روابـط تعریـف مـی شوند.»(آسابرگر،19:1387)

نشانه‌ها و روابط دو مفهوم کلیدی تحلیل نشانه شناختی هستند.آیین‌ها را می‌توان نظامی از نشانه‌هـا تلقـی کـرد و معـانی موجـود دراین آیین‌ها ریشه در نشانه‌ها ونظامی که این نشانه‌ها را به یکدیگرمرتبط می سازد دارند.ایـن نظـام معمـولا"آشکارنیسـت بلکـه بایستی استنباط شود. .(همان،20)

مراسم آیینی

واژه‌ی آیین[4] ابتدا به معنای آداب و رسوم بود و بعدها اختصاصا به معنای رسوم دینی یا جادوگرانه به کار گرفتـه شـد. از ایـن رو می توان گفت : رفتارهای آیینی ، نوعی خاص از رفتار هستند که توسط جامعه پذیرفته شده انـد و بـه گونـه ای ارتبـاط افـراد آن جامعه را با پدیده های فرامادّی یا ماوراء الطبیعه برقرار می کنند.

با تحقیق در ادیان مختلف می توان دریافت که اعتقاد به یک امر قدسی و فراطبیعی ، یکی از اصول تمامی آنها را تشکیل می دهد ، به طوری که مؤسس یا پیامبر هر دین ، خود را فرستاده آن موجود ماورایی می داند و پیام هایی را که اغلب ایدئولوژی پیروان آن دین به حساب می آید ، از جانب او به مردم ابلاغ می کند. این پیام ها که شـامل مجموعـه ای از تعلیمـات اخلاقـی و رفتارهـای خاص است ، باعث شکل گیری الگوی زندگی پیروان آن مذهب می شود که معتقدند این پیام ها ، در صورت درست اجرا شدن ،

[4] Ritual

[Downloaded from mail.rdch.ir on 2026-09-28]

باعث تعالی و تکامل افراد خواهند شد و به روابط میان اعضای جامعه ، معنا می بخشند و آن را نظام‌مند می‌کنند. از طرفی تعـالیم دینی باید به گونه ای به پیروان ادیان مختلف تعلیم داده شود و به اجرا درآید. وظیفه اجرایی کردن ایـن تعـالیم بـر عهـده مراسـم خاصی است که از آنها به عنوان مراسم آیینی[5]یاد می شود.که در اسلام آنها را سنن،مناسک و شعائر می نامیم.

بنا بر این ، می توان مراسم آیینی را نوع خاصی از گفتار و اعمال منظم دانست که از آموزه های دینی و ماورایی سرچشمه گرفته و یا برای بیان احساسات دینی و مذهبی به کار گرفته می شود و به دلیل قدمت زیادی که دارند در بیشتر مـوارد بـا سـنت و تـاریخ مردمان یک منطقه پیوند خورده اند و جزیی از فرهنگ روزانه و انکارناپذیر مردم شده اند.(عابدی،26:1385)

برخورد آیینی با آب

در تاریخ دیر پای این مرز و بوم آب همواره نقش کلیدی داشته و یکی از تنگناهای اصلی مردم ایران زمین به شمار می رفته است تا به آن حد ، که اگر سالی باران نمی بارید، زندگی مردم دست خوش خطر و نابسامانی قرار می گرفت.

آب که به روستاها نمی رسید ، نه تنها مردم از تشنگی ، بلکه از گرسنگی نیز هلاک می شدند ، زیرا کشت زارهـا مـی خشـکید و بیماریهای واگیر شایع می شد.

در این هنگام ، انسان ناتوان ، هراسان وحشت زده چه می توانست بکند؟ او که در مقابل مصایب طبیعی و بلایای آسـمانی ، بـی دفاع بود به دین ، سنن و باورهای خود پناه می برد و به دعا و نیایش روی می آورد. به نماز می ایستاد ، یا به نیاز می نشسـت یـا به مراسمی خاص و مناسکی ویژه می پرداخت.(فرهنگی،156:1383)

مراسم آیینی و مذهبی طلب بارش باران (قبله دعا)

اجرای مراسم آیینی و مذهبی طلب بارش باران(قبله دعا)در جزیره‌ی قشم از مراسم قدیمی است که تا کنون در جزیره قشم حفظ شده و برای اهالی جنبه‌ی تقدس پیدا کرده است. در سالهایی‌که در قشم به موقع باران نمی بارید و آب برکه ها و چاهها تمام می شد و در دشتها و صحراها ، خشکی جای سرسبزی و خرمی را فرا می گرفت و درختها زرد می‌گشتند وکشاورزان قادر به کشـت و کار نبودند و حیوانات علوفه و آب نمی یافتندو انسانها تشنه می شدند و ماههایی که باید در طول آنها باران ببارد ، پشت سر هم سپری می شد ، امام جماعت و پیشوای مذهبی قشم که در عین حال مردی با تقوی و پرهیزکار بـود، بـه تکـاپو مـی افتـاد و مقدمات رفتن مردم را به «مصلی» و اجرای مراسم «قبله دعا» راطی مراحل زیر فراهم می ساخت:(گروه‌مهندسین مشاور،193)

الف)کوچه گردی بچه ها

[5] Ritual Ceremony

[Downloaded from mail.rdch.ir on 2026-09-28]

اولین گروهی که فرمان امام و پیشوا را اجابت می کردند، بچه ها بودند ، در آن روزها بلندگو و تلفن و وسایل امروزی نبود ، عده زیادی از بچه ها برای خبر کردن مردم برای شرکت در مراسم قبله دعا و دریافت پول خرد و تنقلات ، دسته دسته با هم در کوچه ها و بازارها براه می افتادند و برای خبر کردن مردم ، سرودها و اشعار مربوط به باران را می خواندند ، به این ترتیب کـه در شـب جمعه یک نفر از کنیزکان پیر یک مقنعه به گردن گره می زد و یک قسمت از شعر را می خواند و بچه ها در جوابش ایشـاالله یـا «انشاءاللّه» می گفتند:(دژگانی،1384:183)

میشک میشکو ایشاءالله	mišak mišaku išâlâ
گردن ریشکو ایشاءالله	gardon rišaku išâlâ
یا رحمن یارحیم ایشاءالله	yâ rahmân yâ rahim išâlâ
خداوندکریم ایشاءالله	xodâvande karim išâlâ
خدابارون هاده ایشاءالله	xodâ bâron hâda išâlâ
به مسکینن هاده ایشاءالله	be meskinon hâda išâlâ
بی جو کارون هاده ایشاءاللّه	bey jow kâron hâda išâlâ
ان شاءاللّه بارون هاده ایشاءاللّه	en Šâlâh bâron hâda išâlâ
الله بارون هاده ایشاءالله	alâh bâron hâda išâlâ
یا الله یا کریم ایشاءاللّه	yâ alâh yâ karim išâlâ

بچه ها این اشعار را می خواندند و به در خانه ها می رفتند و در می زدند و همانجا همچنان به خواندن ادامه می دادند. صاحبخانه بیرون می آمد و چیزی به بچه ها می داد و اگر بچه ای توی خانه بود همراه بچه‌ها داخل کوچه راه می افتاد با هم بـه محلـه و در خانه دیگری می رفتند. این کار تا مدتی از شب رفته و حتی تا دو روز آینده ادامه داشت ، با آمدن بچه ها به کوچه ها و خیابانها ، مردم می فهمیدند که امام جماعت می خواهد به قبله دعا برود.

ب)جار زدن بزرگترها

[Downloaded from mail.rdch.ir on 2026-09-28]

فردای آن روز به دستور امام جماعت عده ای از مردان در شهر جار می زدند و به مردم خبر می دادند کـه بـرای خـوردن چلـو و گوشت و حلیم به قبله دعا بیایند. عده ای از مردم صبح زود ، به محل قبله دعا می رفتنـد و محـل را آب و جـارو مـی کردنـد و جمعی دیگر دیگهای بزرگ غذا را سربار می گذاشتند وبا پولی که جمع کرده بودندتعداد زیادی بز و گوسفند و گاومی خریدند و سر می بریدند و برای ظهر غذای مفصلی تهیه می دیدند و در همانجا بین فقرا توزیع می کردند.

دادن غذا به فقرا و یتیمان و درماندگان دو تا سه روز طول می کشید و بعد به دستور امـام جماعـت مـردم شـهر روزه بـاران مـی گرفتند و در مسجدهای شهر جمع می شدند و قرآن می خواندند و دعا می کردند واز اعمال بد و ناروای خود توبه می کردنـد و روز چهارم در پشت سر امام جماعت به سمت محل قبله دعا به راه می افتادند.(گروه‌مهندسین مشاور،194)

ج)اجتماع در محل قبله دعا

در این روز نیز عده ای قبل از مردم به محل قبله دعا،می‌رفتندوضمن نظافت محل برگزاری مراسم، مقـداری زیـادی چـوب بـرای سوزاندن جمع می کردند و دیگهای برنج و گوشت را سربار می گذاردند واز خانه ها برنج و روغن می آوردند.

د)روز برگزاری مراسم

در روز استسقاء یا طلب باران ، همه مردم به دستور پیش نماز روزه می گرفتند زیرا معتقد بودند همانطور که پیغمبر(ص) فرمـوده است ، دعای روزه دار مستجاب می شود. در روز اجرای مراسم ، مردم روزه دار ، تدریجاً تا ساعت هشت صبح به محل قبله دعـا وارد می شدند.همه مردم ، لباس سفید و تمیز پوشیده بودند ، اگر برکه نزدیک قبله دعا ، آب داشت از آب برکه ، و در غیـر ایـن صورت از آبی که همراه آورده بودند ، عموماً وضو می‌گرفتند و پشت سر امام صف می بستند و دو رکعت نماز مـی خواندنـد و بعد امام دو خطبه می خواند و دعا می کرد و در حالی که اشک از چشمانش سرازیر بود به درگاه خداوند استغاثه می کرد و مردم آمین می گفتند. بعد از خطبه ، شش نفر از جوانان پانزده یا بیست ساله از جمعیت جدا شده و جلو می آمدند و یک نفربـا سـواد شعر دعای باران را می خوانـد شـش جـوان و مـردم جـواب مـی دادنـد.(همـان،195) شـعر بـاران بـه ایـن شـرح مـی باشـد: (دژگانی،184،1384)

ای خداوندا به ما باران بده رحم فرماتو به ما باران بده

ما ضعیفیم و ذلیل ومضطریم بارالها تو به ما باران بده

هم به حق مصطفی ختم الرُسُل هم به حق مرتضی باران بده

بندگانت عاجزهستند، ای خدا لطف فرما ای خدا باران بده

[Downloaded from mail.rdch.ir on 2026-09-28]

ما به درگاه تو روی آورده ایم		کن اجابت این دعا،باران بده

روبه توآورده ایم بهر دعا		کن اجابت این دعا،باران بده

سال بگذشت و نیامد رحمتی		رحمتت بنما به ما،باران بده

از گرانی خوردنیها کم شده		کن کرم ای خالقا، باران بده

مرد و زن گریان و واویلا کنان		رحمتی فرما به ما،باران بده

جملگی گریان و زاری می‌کنند		کی خدایا، ربنا، باران بده

شیر گشته خشک در پستانها		طفلکان گریان، خدا باران بده

ناله های تشنگان از سر گذشت		لطف کن ای رازقا، باران بده

ماهی در دریا و مرغ اندر هوا		هردو نالان ای خدا، باران بده

نه گیاهی از زمین روییده است		اندر این سال، ای خدا باران بده

آسمان دورزمین گشته سفید		انزل الرحمه، خدا باران بده

چشمه ها خشکیده‌اند اندر زمین		هم زبی آبی، خدا باران بده

زآسمان نازل نگشته قطره‌ای		برزمین ما،خدا باران بده

مرد و زن،پیرو جوان‌خردوکلان		جمله گریان کی خدا باران بده

آنچنان از تشنگی درمانده‌اند		نیست ما را طاقتی باران بده

طاقت ما طاق گشته،ای خدا		ای خدایا، ای خدا باران بده

گر نباشد رزق ماها بیش ازاین		حق خودبنما،به ما باران بده

حق پیغمبر و اهل بیت او		رحم فرما تو به ما باران بده

حق پیغمبر و اصحاب رسول		ربنا یا ربنا باران بده

[Downloaded from mail.rdch.ir on 2026-09-28]

عذر ما بپذیر ای پروردگار		هم به حق مصطفی باران بده

نیست حدی برگناه ما همه		لطف خود بنما عطا،باران بده

از سر لطف و کرم جود و عطا		هم به حق اولیا باران بده

اندر اینجا جمع گشته مردوزن		پیر و برنا،ای خدا،باران بده

گرنبارد برسر ما رحمتت		وای بر ما حال ما،باران بده

مرغ و مور و مار و ماهی‌انس‌وجن		جمله گویند ربنا باران بده

عابدا زاری مکن کز لطف حق		می دهد باران خدا باران بده

الگوی ساختاری آیین قبله دعا

مراحل انجام یک مراسم آیینی در طول تاریخ با رسومات نمادینی همراه بوده است که هریک ازآنها مقدماتی را برای انجام مرحله بعدی فراهم می آورد تا فرایند انجام مناسک کامل شود.مجموعه این اعمال ومناسک ساختار یک مراسم آیینی را شکل میدهد.دراینجا همان گونه که درشکل نشان داده شده است.دارای سه بخش اصلی می‌باشد،بخش اول دال ها هستند مجموعه ای از نمادهایی که برای نشان دادن بخش دوم یعنی مدلول ها به‌کار برده می‌شوند.وبه‌ترتیب شامل:کودکان به‌عنوان نمادی از معصومیت،لباس سفید نمادی ازبی آلایشی وپاکی،اطعام نمادی از جلوگیری و رفع بلا و سرانجام روزه به‌عنوان نمادی که برای نزدیک شدن به پروردگار یا معبود می باشند.

این دالها و مدلول آنان در بخش سوم به‌عنوان کنش جمعی تجلی پیدا می کنند و به ترتیب باعث ایجاد همبستگی ،کاهش کشمکش،جلوگیری از وضعیت ناخوشایند و احساسی مشترک می شوند،بدین صورت که اگرمردم مانند کودکان پاک و معصوم باشند می توانند همبستگی شان را حفظ کنند.همان طور که کودکان در بازی باهم قهر می کنند اما روز بعد دوباره بازی را از نو با یکدیگر ادامه می دهند مثل اینکه اصلا اختلافی وجود نداشته است!و این جمع کودکانه هیچ گاه ازهم گسسته نمی شود.

هنگامی که مردم از هر طایفه و قومی،دوریا نزدیک برای رفتن به مراسم یکپارچه سفید پوش می شوند،نشان دهنده صلح،پاکی و یکدستگی است که باعث از بین رفتن کشمکشها وخصومتهای شخصی و قومی یا طایفه ای می شود.ازطرفی دیگر اطعام به مسکینان و مستمندان یکی دیگر ازراههایی است که برای رفع بلا و جلوگیری ازپیشامدهای ناخوشایند در روزهای قبل از مراسم قبله دعا بکارگرفته می شود.وپس از انجام تمامی این مراحل یعنی هنگامی که دلها صاف از هرگونه کینه ای شد وکارهای اطعام نیز برای رفع بلایا به خوبی انجام شد و مردم خود را ازهرگونه پلیدی و ناپاکی دنیوی پاک کردند در مرحله پایانی برای نزدیکی به

[Downloaded from mail.rdch.ir on 2026-09-28]

خداوندوبرآورده شدن حاجات و قبول دعاها که دراین مراسم مقصود نزول باران است،روزه گرفته وتوبه مـی کننـد؛زیرا معتقدنـد دعـــــای فـــــرد روزه دار بهتـــــر مـــــورد قبـــــول پروردگـــــار واقـــــع خواهـــــد شـــــد.

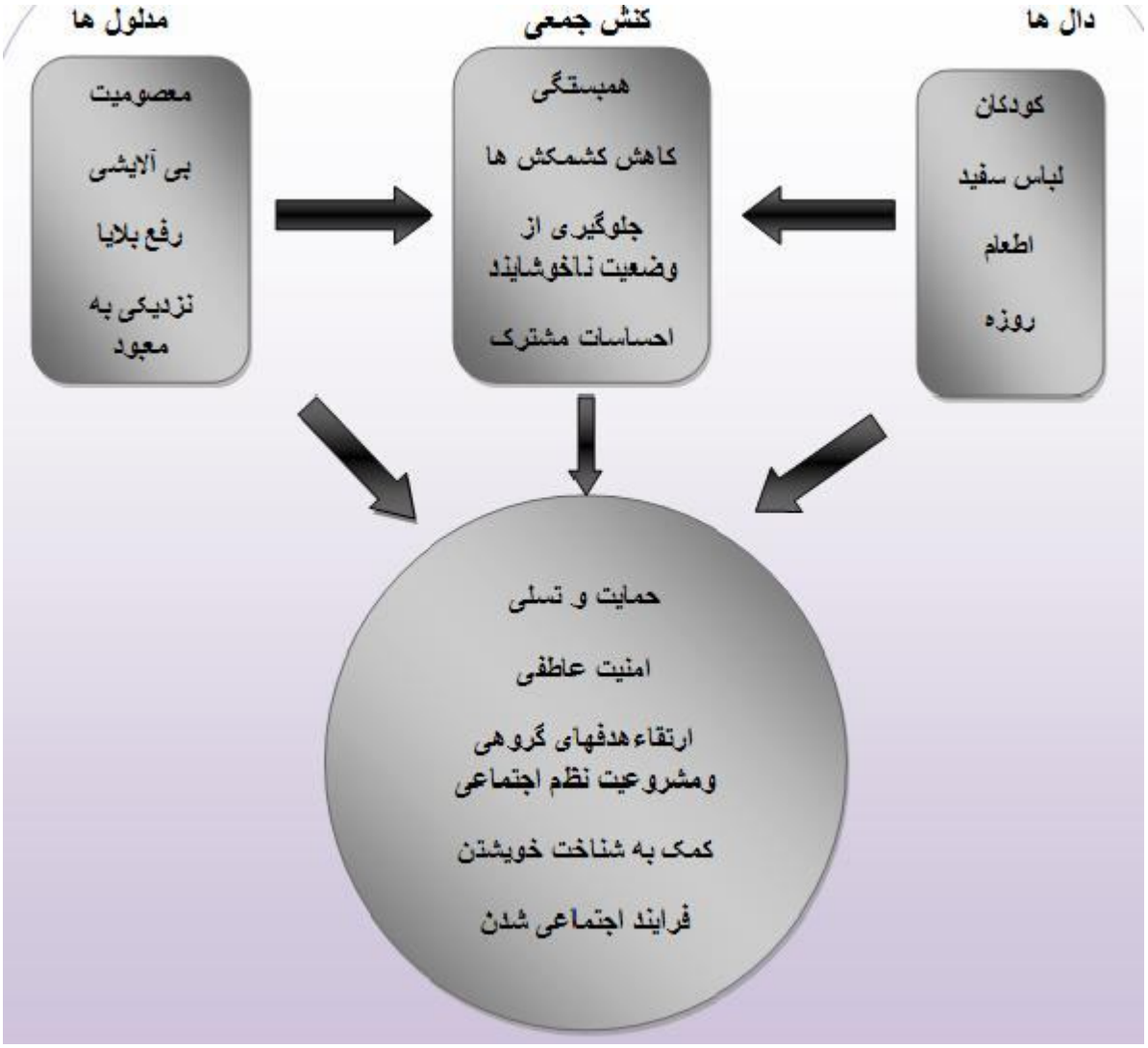

کارکردهای اجتماعی :

امام جمعه با فراخوان مراسم قبله دعا مردم را به سمت یک همبستگی ارگانیک که بر پایه وجدان جمعی(ایمان مشـترک)بنانهـاده شده سوق می دهد.

دورکیم در نخستین آثارش گفته بود که نظامهای نیرومند مبتنی بر باور مشترک ، مختص هبستگی مکانیکی در جوامع ابتدایی اند ، ولی همبستگی ارگانیک که از تنوع فزاینده و پیشرفته تقسیم کار و نیز وابستگی متقابل هر چه بیشتر پدید می آیـد ، بـرای پیونـد دادن اعضای جامعه به باورهای مشترک کمتری نیاز دارد.اما او بعدها این نظرش را تعدیل کرد و تأکید نمـود کـه حتـی نظامهـای

[Downloaded from mail.rdch.ir on 2026-09-28]

برخوردار از همبستگی ارگانیک بسیار پیشرفته نیز اگر نخواهند به صورت توده ای از افراد خودبین و متجاوز به حقـوق همـدیگر متلاشی شوند ، باید بر پایه یک ایمان مشترک یا وجدان جمعی مبتنی شوند.

دورکیم در سن کمال دریافته بود که تنها اگر اعضای یک جامعه متکی بر یک رشته تجلی های نمادین مشترک و نیز مفروضـات مشترک درباره جهان پیرامونشان باشند ، می توان وحدت اخلاقی شان را تضمین کرد. او معتقد بود که بدون یک چنین اعتقـادات مشترک هر جامعه ای چه جدید و چه ابتدایی ، محکوم به تباهی و فروپاشیدگی است.(کوزر،191:1389) دورکیم می گفت که پدیده های مذهبی زمانی در جامعه پدید می آیند که میان پهنه دنیوی ، یعنی قلمرو فعالیتهای مفید فایده روزانه و قلمرو مقدس که راجع است به امور خدایی ، فروگذرنده و خارق العاده ، جدایی ای پیش آید. یک پدیده‌ی ذاتاً دنیـوی یـا مقـدس نیسـت ، بلکـه زمانی یکی از این دو خصلت را پیدا می کند که مردم یا برای آن پدیده ارزش فایده آمیز قایل شوند و یا برعکس ، صـفات ذاتـی ای به آن نسبت دهند که به ارزش وسیله ایش هیچ ارتباطی نداشته باشند.

مومنان به فعالیتهای مقدس به عنوان وسایل دستیابی به هدف شان ارزش قایل نمی شوند ، بلکه اجتماع مذهبی به عنوان بخشی از پرستش به این فعالیت ها اهمیت می بخشد. تمایز قایل شدن میان پهنه های مقدس و دنیوی ، همیشه از سوی گروهایی انجام می پذیرد که در یک کیش به هم پیوند خورده باشند و به وسیله‌ی نمادهای مشترک واشیای مورد پرستش ، وحدت یافته باشند. دین « یک پدیده‌ی سراسر جمعی » و وسیله ای است که انسان ها را به همدیگر پیوند می دهد. (همان،198)

درآیین قبله دعا کودکان اولین افراد جامعه هستند که دعوت امام جمعه را پذیرفته و برای خبرکردن مـردم در مراسـم اقـدام مـی کنند،آنها به‌عنوان معصوم ترین افراد، نماد بی ریایی و خلوصی است که افراد شرکت کننده دراین مراسم باید داشته باشند،پیوستن دیگر کودکان که درخانه هستند به این بچه ها و افزایش هرچه بیشتر جمعیت آنها نشان از همدلی و پیوستگی بین افراد دارد.

اطعام فقرا و یتیمان که چند روز طول می کشد،مقدمه ای است که دوری جستن از گناه و معصیت را نشان می‌دهد،زیرا بعد ازآن به دعا و قرآن خواندن می پردازند و سپس روزه گرفتن،برای نزدیکی به درگاه خداوند و استجابت دعاهایشان،آنها در روز مراسـم لباس تمیز و سفید که نشانه پاکی و بی آلایشی از هرگونه تعلق دنیوی است می پوشند.

همین مناسک است که احساسات دینی را ایجاد ، تقویت و تجدید می کند و حس وابستگی به یک قدرت خـارجی روحـانی و اخلاقی را که در واقع همان جامعه است ، تشدید می‌کند. همین مناسک و ماهیت جمعی چنین گردهمایی هاسـت کـه ایـن همـه شور و شوق بر می انگیزد و شرکت کنندگان را به اهمیت گروه و جامعه در قالب آیین های دینی آگاه می کند. بدین سان مناسک ، همبستگی و انسجام اجتماعی را ایجاد و حفظ می کند.

[Downloaded from mail.rdch.ir on 2026-09-28]

همچنان که بیان شد به نظر دورکیم ، مناسک اساساً برای حفظ انسجام گروهی اند، اما شرکت کنندگان در مناسک غالباً بـر ایـن باورنـد کـه مناسـک وضـعیت خوشـایندی را بـه ارمغـان مـی آورد و یـا از یـک وضـعیت ناخوشـایند جلـوگیری مـی کند.(همیلتون،178:1387)

آیین‌ها ومناسک برای کارکرد درست زندگی اخلاقی ما به همان اندازه ضروری اند که خوراک برای حفظ سلامت جسـمانی مـا، زیرا از طریق همین مناسک است که گروه خود را تأیید و حفظ می کند.بنابراین شکل یک منسک و مقصود اعلام شده اش چندان اهمیتی ندارد. کارکرد واقعی مناسک همیشه یکی است. اهمیت ندارد که اعضای گروه برای چه کاری گـرد هـم مـی آینـد ، امـر اساسی این است که انسان ها گرد هم می آیند ، احساسات مشترکی را تجربه می کنند و به صورت یک کنش جمعی آن را بیـان می کنند. ماهیت خاص این احساسات و کنش ها ، چیزی ثانوی و وابسته به موقعیت است.(همان،179) برگزاری آیین قبله دعـا به‌صورت دسته جمعی ضمن اینکه منجر به کنش جمعی می شوند از لحاظ روحی و روانی ، شادابی ، کاهش تنش های عاطفی ، رفع تیرگی‌های روابط بین افراد و کاهش کشمکش های اجتماعی را به همراه دارد.

مفهوم آرمان و کمال در جریان برگزاری مناسک دسته جمعی پدیدار مـی شـود. عاطفـه شـدیدی کـه در چنـین فرصـت هـایی برانگیخته می شود ، احساس خارق العاده ای پدید می آورد که طی آن ، شرکت کنندگان احساس می کنند دگرگـون شـده انـد و محیط زندگی روزانه شان را نیز به همین سان ، دگرگون شده احساس می کنند. انسان ها برای تبیین این حالت ، به چیزهایی که در غیر این حالت عادی اند ، قدرت ها و کیفیت های خارق العاده ای نسبت می دهند و از همین رهگذر مفهوم امر مقدس پدیـد می آید.

بدین سان واقعیت عادی ، بُعد آرمانی و کاملی پیدا می کند. بنابراین ، مفهوم جهان آرمانی از طریق و روند زندگی جمعی و تجربه اجتماعی پدید می آید. البته این مفهوم یک امر فطری نیست ، بلکه محصول طبیعی زندگی اجتماعی است. اگر می بینیم دیـن ، از برخی آرمان ها پاسداری می کند و با چه باید کردها سر و کار دارد ، برای آن است که خود این قضـیه یـک فـرآورده اجتمـاعی است. ساختمان آرمانی جامعه از رهگذر رشد جامعه واقعی ، ملموس و بالفعل موجود شکل می گیرد و محصـول همـین جامعـه موجود است.(همان،186)

"رایج کینگزلی دیویس" با عنوان جامعه بشری (1948) ، نمونه بارزی از این نوع رهیافت است. او در فصل مربوط بـه دیـن کـه عنوانش « نهادهای دینی » است ، کارکردهای مثبت دینی را بر می شمارد و می گوید:« دین احساساتی را که به جامعه انسجام می بخشند توجیه عقلانی و پشتیبانی می کند. به نظر می رسد بیان باورداشت های همگانی از طریق مناسک دسته جمعی ، دلبستگی افراد را به هدف های گروهی تشدید می کند. دین ، عزم افراد را به رعایت هنجارهای گروهی تقویت می کند و ایـن هنجارهـا را بالاتر از منافع صرفاً خصوصی قرار می دهد. دین ، یگانگی افراد جامعه را با همدیگر تقویت می کند.»(همان،200)

[Downloaded from mail.rdch.ir on 2026-09-28]

با این اوصاف،پنج کارکرد اجتماعی آیین قبله دعا را برای افراد جامعه می توان برشمرد:

1- برای انسان،حمایت و تسلی به بار می آورد و از این طریق ، ارزش ها و هدف های تثبیت شده را پشتیبانی می کند.

2- از طریق آیین ها و مراسم ، امنیت عاطفی و نقطه‌ی اتکای ثابتی در بحبوحه‌ی ناسازگاری های آرا و عقاید برای انسان به بار می آورد. این کارکرد ، به نظم اجتماعی استواری می بخشد و غالباً به حفظ وضع موجود کمک می کند.

3- به هنجارها تقدس می بخشد و هدف های گروهی را بر فراز هدف های فردی قرار می دهد و نظم اجتماعی را مشروع می کند.

4- به انسان در شناخت خودش کمک می کند و باعث می شود که او احساس هویت کند.

5- در فرایند رشد انسان بسیار اهمیت دارد ، زیرا به افراد در بحران های زندگی و مقاطع گذار از یک وضعیت به وضعیت دیگر کمک می کند و درنتیجه ، بخشی از فرایند اجتماعی شدن به شمار می‌آید.(همان،208)

نتیجه گیری :

مناسک بی گمان یکی از پیچده ترین و متنوع ترین صورتهای رفتار بشری اند و جنبه ها و ابعاد بسیار متفاوتی دارند.

مناسک ممکن است برای انواع مقاصد ، مانند احترام به خدایان ، خوشبختی ، محافظت از خطر، یاد بود تولد ، زناشویی و مرگ برگزار شود. انسان شناسان معمولاً این مناسک را مانند وسیله ای تعبیر می کنند که جامعه ، اجتماع یا گروه ، با این وسیله از ارزش ها و اصول اساسی اش حمایت و سامان اخلاقی اش را حفظ می کند. مناسک ضمن نمایشی بودن،ابزاری عملی و اجتماعی،دارای معناهایی با محتوای روانی و فردی و با وجود همانندی،با فرم و صورتهای دیگر فعالیت بشری نوع خاص و مستقلی از فعالیت بشری را باز می‌کنند.

قبله دعا به‌عنوان یک آیین دسته جمعی معمولاً طبقات رایج اجتماعی را که باعث تقسیم بندی اعضای جامعه و ایجاد خط کشی های سخت می شوند تضعیف و به طریق اولی حذف می کنند. مناصب ، مقام ها ، موقعیت ها و پایگاه های اجتماعی حین برگزاری جشن ها عامل اساسی به شمار نمی روند.بنابراین می توان گفت که برگزاری مراسم همانند مناسک دینی از جمله عوامل ایجاد همبستگی ، انسجام و وفاق اجتماعی هستند. به‌ویژه اینکه درآنهاتنوع بیشتری به چشم می خورد.

با این وصف آیینهای گروهی در خدمت حفظ منافع جمعی است،چرا که همبستگی اجتماعی را تضمین کرده و سلامت روحی و روانی اجتماع را به ارمغان می آورد.به هر حال ایجاد و حفظ همبستگی اجتماعی برای ادامه حیات مفید و ثمر بخش جوامع، بسیار

[Downloaded from mail.rdch.ir on 2026-09-28]

مهم و تعیین کننده است. جشن های گروهی ابزار مناسبی برای ایجاد چنین همبستگی اجتماعی به شمار می روند چـون معمـولاً برگزاری جشن ها با هر عنوان و دلیلی که باشد مورد استقبال عموم مردم قرار می گیرد.

چیزی که شادابی و نشاط و همبستگی و انسجام اجتماعی را همزمان به وجود می آورد؛شایسته آن است که بیشتر از آنچه امـروز هست مورد عنایت قرار گیرد.

آیین قبله دعا کارکردی این چنینی دارند بنابراین ایجاد شور و نشاط بین افراد جامعه ودرنتیجه دستیابی به یکپارچگی اجتماعی در گرو توجه ویژه به آن است.

منابع:

1- اکو،امبرتو(1387)نشانه شناسی،ترجمه پیروز ایزدی،انتشارات ثالث

2-آسابرگر،آرتور(1387)روشهای تحلیل رسانه ها،ترجمه پرویز اجلالی،دفترمطالعات و توسعه رسانه‌ها

3-محسنیان راد،مهدی(1387)ارتباط شناسی،انتشارات سروش

4-کوزر،لوییس(1389)**زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی**،ترجمه محسن ثلاثی،انتشارات علمی

5-همیلتون،ملکم(1387)**جامعه شناسی دین**، ترجمه محسن ثلاثی،انتشارات ثالث

6--فرهنگی، بیژن ،(1383) ، **ترنم آب در گذر زمان**(مروری بر سازه های آبی ایران زمین)، کمیته ملی سدهای بزرگ ایران

7- گروه‌مهندسین مشاور عرضه نگار،**بررسی بناهای تاریخی آبی استان هرمزگان**(فاز اول جزایر استان جلد اول)،تحقیق وزارت نیرو شرکت سهامی آب منطقه ای هرمزگان

8-دژگانی،فاطمه(1384)**قشم نگینی بر خلیج فارس**،انتشارات سیروان

9-عابدی،حمید(1385)، رسوم آیینی و ارزش های اخلاقی، مجله **مدیریت زندگی**، تیر و خرداد،شماره29

[Downloaded from mail.rdch.ir on 2026-09-28]

[Downloaded from mail.rdch.ir on 2026-09-28]